

آیا خدا ظالم است؟ نویسنده: جرد اس. آکیفنت

بعد از اینکه آدم اولین گاز را به میوه‌ی ممنوعه زد، این تعبیر باید بارها و بارها در ذهن او چرخیده باشد. «روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد» (پیدایش ۲: ۱۷). این روزی بود که او از آن خورده بود و بنابراین، روزی بود که قطعاً می‌مرد. نمی‌توانم ترسی که آدم در زمان دوختن چند برگ انجیر به هم برای لباس ساختن داشت را تصور کنم. حالا آدم در وقت اضافه‌ای پیش از آنکه مجازات اجتناب‌ناپذیرش فرا برسد زندگی می‌کرد. روز داوری فرا رسیده بود.

خدا در حالیکه آن روز برای اولین بار عدالت را بر زمین نشان داد، اما از بار کامل داوری‌اش نیز جلوگیری کرد و به آدم و دنیایی که حالا گناه‌آلود بود، محکومیتی تعلیقی داد. تعلیق رحمت‌آمیز داوری نهایی، مسیری خوشایند اما گاهی بازدارنده در نبرد ما بین گناه و عدالت پیش روی‌مان قرار می‌دهد – اینطور نیست که هر شرارت زمینی، پاسخی روی زمین بیابد.

همچنان که خدا در زمانی که آدم آن اولین گاز به میوه‌ی ممنوعه را قورت می‌داد از مرگ فوری جلوگیری کرد، دو انگاره‌ی جدید دیگر را هم به آنها نشان داد: فیض و رحمت. متضاد عدالت، ظلم است، اما مکمل عدالت، رحمت است. عدالت و رحمت هر دو از ذات نیکوی خدا سرچشمه گرفته‌اند و در روزی که خلقت برای ادامه‌ی حیات به رحمت احتیاج داشت، خدا وعده‌ی یک نجات‌دهنده را داد (پیدایش ۳: ۱۵).

اما ما چگونه ذات خدا را می‌شناسیم؟ وقتی بدبینان به دنیا اشاره می‌کنند و می‌گویند چیزها آنطوری نیستند که باید باشند، ایمانداران می‌توانند «آمین!» بگویند. اما وقتی که بعد، بدبینان با اشاره به بالا، خدا را به بی‌عدالتی و رفتار ناشایست متهم می‌کنند، قاعدتاً مسیر عقاید بدبین و ایماندار از هم جدا می‌شود.

بعضی از بدبینان، هم‌زمان تایید می‌کنند که (۱) «خدا وجود دارد» و (۲) «خدایی که من واقعا به او باور دارم، ظالم است.» این اتهام معمولاً از سوی کسانی است که امیدوارند تصادمی بین وجود خدا و فجایع ظالمانه کشف کنند. اما تفاوتی بنیادین بین مسئولیت انسان تحت شریعت خدا و رابطه‌ی خدا با شریعتی که او خود وضع و مکشوف کرده است وجود دارد. شریعت ایجاد شده، توسط خدا برای شرایط مشخص، زمینی، و گاهی موقتی شکل داده شده بودند. خدا خود را به «قانونی» فرای خود، جدا از ذات خویش پاسخگو نمی‌داند. بدبینانی که خدا را نسبت به

شریعتی که خود او وضع کرده است جوابگو می‌دانند، رابطه‌ی خالق و مخلوق را به شکل مهلکی اشتباه متوجه شده‌اند.

درباره‌ی بدبینانی که شاهد بی‌عدالتی در کتاب مقدس هستند چطور؟ چطور ذات عالی و عادل خدا می‌تواند با تمام این داستان‌ها وقایع در کلام خدا هماهنگ شود که به نظر می‌رسد قوم خدا – و حتی خود خدا – با ظلم موافقت می‌کنند یا دستور آن را می‌دهند؟

عهد عتیق پرده‌ی اول نبرد برای عدالت نهایی را آشکار می‌کند. از آنجا که عدالت بعد از عدن به تعویق افتاد، غالب اوقات بی‌عدالتی کامیاب می‌شود. خدا صرفاً سایه‌ای موقتی و زمینی از داوری نهایی معوقه را نشان می‌دهد. حکایات پیروزی در کتاب یوشع را با هر بابی از کتاب مکاشفه مقایسه کنید. یوشع در مقایسه با اژدهایان، دیوها، و آتش مکاشفه بسیار بی‌خطر به نظر می‌رسد. اگرچه مکاشفه پیام خود را به زبان نمادهای مستور و تصاویر خارق‌العاده بیان می‌کند، اما این پیام صرفاً برای نمایش نیست – دنیا به طور خشونت‌باری پایان خواهد یافت. پیش از آنکه دنیا به پایان برسد، قوم عهد خدا نزد او برای پایان بخشیدن به مظالمی شامل خیانت، بردگی، تبعید و مرگ استغاثه می‌کنند. شما نمی‌توانید مزامیر را بدون طنین آنچه مقدسین عهد عتیق احساس می‌کردند، بخوانید: «آیا هرگز به ناله‌های من پاسخی داده خواهد شد؟»

یک نفر پاسخ داد. اما رهایی یک بار برای همیشه از بی‌عدالتی، در یک داستان دو بخشی آشکار می‌شود (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ مکاشفه ۱۴: ۷). در مرکز، مسیح را بر یک تپه می‌بینیم؛ آدم ثانی، در باغی متفاوت (جسیمانی)، در رنج مقدماتی داوری‌ای که حق او نبود، و قطعا از سوی پدرش نازل می‌شد، انتظار می‌کشد (لوقا ۲۲: ۴۴). از میان تمام بی‌عدالتی‌ها، بزرگترین‌شان به حدی نامحدود در آن تبادل اسرارآمیز اتفاق افتاد – وقتی مسیح جلال نهایی را برای خلقت جدید می‌خرد، روز داوری بر او نازل شد. جمعه‌الصلیب بر سر راه هر تلاش ساده‌انگارانه‌ای برای توضیح عدالت خدا، پیچ و خم ایجاد می‌کند. آن روز، صلیب چوبی، وعده‌ی رحمت‌آمیز خدا به آدم اول را به اوج تحقق خود رساند (پیدایش ۳: ۱۵).

سه روز بعد، قیام مسیح، مرگ و شرارت را به مجازات نابودی محکوم کرد. پولس این قیام آغازین را «نوبری» برای ایمانداران خواند (اول قرنتیان ۱۵: ۲۰-۲۳). اگر مسیح «نوبر» است، ما «میوه‌ی آخر» هستیم که برای پیوستن به محصول قیام در پایان این بخش از تاریخ، انتظار می‌کشیم.

مسیح هرگز حقیقت نیش ناعادلانه‌ی مرگ را کوچک نشمرد (یوحنا ۱۱ : ۳۵-۳۸)، اما آگاهی از چگونگی پایان داستان چشمگیر او تسلی‌ای می‌بخشد که بی‌عدالتی‌های موقتی را تحمل می‌کند. قیام اجتناب‌ناپذیر ما، و خانه‌ی جدیدمان در آسمان و زمین جدید، در نهایت آن بی‌عدالتی قدیمی بر این زمین کهنه را بازخیرد می‌کند. در حال حاضر، بی‌عدالتی هوایی که بر زمین تنفس می‌کنیم را در بر گرفته است. رنج و مصیبت باید جدی گرفته شوند و با حساسیت و مراقبت شبانی با آنها برخورد شود. اما ما چاره‌ی نهایی – و امید نهایی‌مان – را بر زمین نخواهیم یافت. فراغت نهایی از بی‌عدالتی، در منزلی جدید و ابدی پیدا می‌شود. ما تکرار می‌کنیم «خدایا، تا به کی؟» در حالیکه می‌دانیم نجات‌دهنده‌ی مهربان و عادل‌مان هم‌اکنون خانه‌های جدید ما را برای پرده‌ی آخر در آن آخرین روز، بنا می‌کند (یوحنا ۱۴ : ۳).

جَرِدِ اس. آلیفنت، دانشجوی مقطع دکترای فلسفه در دانشگاه Texas A&M University و دانشجوی مقطع فوق لیسانس الهیات در دانشگاه الهیات Westminster Theological Seminary در فیلادلفیا می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک \(Tabletalk\)](#) منتشر شده است.